



بررسی جامعه شناختی شعر و موسیقی زاگرس نشینان لر

عظیم لک

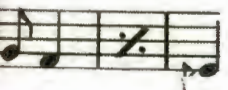


♩ = 70





دوره چهارم



جامعه شناسان

ISBN: 978-600-223-044-7



9 786002 230447

۱۲۰

بررسی جامعه‌شناختی شعر و موسیقی
زاگرس‌نشینان لر



جامعه‌شناسان



بررسی جامعه‌شناختی
شعر و موسیقی زاگرس‌نشینان لر

عظیم لک



جامعه‌شناسان

سرشناسه: لک، عظیم، ۱۳۴۶.
عنوان و نام پدیدآور: بررسی جامعه‌شناختی شعر و موسیقی زاگرس‌نشینان لر
تألیف: عظیم لک

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان
مشخصات ظاهری: ۲۶۵ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۰۴۴-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: موسیقی محلی ایرانی -- لرستان -- تاریخ
موضوع: موسیقی محلی ایرانی -- کهگیلویه و بویراحمد -- تاریخ
موضوع: شعر لری
موضوع: شعر بختیاری
موضوع: لرها -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ب ۴/۸۱۸۲۰ M
رده بندی دیویی: ۷۸۹/۹۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۳۶۳۳



جامعه‌شناسان

بررسی جامعه‌شناختی شعر و موسیقی زاگرس‌نشینان لر
تألیف: عظیم لک

چاپ اول: ۱۳۹۴ تهران/ تعداد ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان/ مجتمع لیتوگرافی چاپ و صحافی: طیف‌نگار
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۰۴۴-۷
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی، نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: جامعه‌شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک ۲۱۷
فروشگاه جامعه‌شناسان - تلفن: ۶۶۰۰۰۵۱
تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۶۹۶۲۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تقدیم بہ خنیا کر خاموش

ولی الہ شاہسواری

فهرست مطالب

پیش‌گفتار نویسنده	۱۱
-------------------------	----

گفتار اول

سرزمین لر	۱۷
بختیاری	۲۰
لرهای جنوبی	۲۱
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱
شولستان ممسنی	۲۲
استان لرستان	۲۳
در رابطه با واژه لر	۲۴
زاگرس	۲۵
کوچ‌نشینی به عنوان یک "تمهید"	۲۶
جستارهای نظری	۳۲
نظریه تضادگرایانه	۳۳
ارتباط نظریه تضادگرایانه با پژوهش حاضر	۳۹
نظریه مارکسیستی هنر	۴۱
ارتباط نظریه مارکسیستی هنر با پژوهش حاضر	۴۴
نظریه فمینیستی	۴۴
ارتباط نظریه فمینیستی با پژوهش حاضر	۴۸
نظریه کارکردگرایی	۴۹
ارتباط نظریه کارکردگرایی با پژوهش حاضر	۵۱
نظریه دورکیم	۵۲
ارتباط نظریه دورکیم با یافته‌های تحقیق	۵۴

۸ بررسی جامعه‌شناختی شعر و موسیقی زاگرس‌نشینان لر

نظریه بازی.....	۵۴
ارتباط نظریه‌بازی با پژوهش حاضر.....	۵۹
جامعه‌شناسی شناخت (معرفت).....	۶۰
جغرافیا.....	۶۳
ارتباط جامعه‌شناسی شناخت با پژوهش حاضر.....	۶۴
انگاره فرویدی.....	۶۵
ارتباط انگاره فرویدی با پژوهش حاضر.....	۶۷

گفتار دوم

اهمیت و جایگاه شعر و موسیقی در مناطق لر‌نشین.....	۷۱
موسیقی کار.....	۷۲
خرمن‌کوبی (هوله).....	۷۳
اهمیت فرهنگ کار در توسعه.....	۷۷
کارکردهای شعر و موسیقی در زندگی روستایی و عشایری.....	۸۰
نغمه‌های اعلان (اعلام).....	۸۱
کارکرد موسیقی در کوچ.....	۸۲
دهل و صدای بی‌پاسخ آن.....	۸۳
کارکرد مذهبی موسیقی (تعزیه و شبیه‌خوانی).....	۸۴
کارکرد موسیقی در جنگ.....	۸۴
موسیقی‌های سوگ.....	۸۸
تضاد خرده فرهنگ سوگ با توسعه اجتماعی و فرهنگی.....	۹۰
منزلت زن در شعر و موسیقی روستایی و عشایری مردم لر.....	۹۳
همسرگزینی به طریقه "نافبر" کردن.....	۹۴
همسرگزینی مشروط.....	۹۴
گاوگا.....	۹۵
گی گامال.....	۹۵
خون‌بس.....	۹۵
جنس یا جنسیت.....	۱۰۱

فهرست مطالب ۹

زنان از تولد تا مرگ.....	۱۰۱
وضعیت زنان لر در فرایند توسعه محلی.....	۱۰۶
ترس از عوامل محیطی.....	۱۰۷
ترس از حیوانات.....	۱۱۰
تمهیدات مربوط به انقراض گرگ.....	۱۱۲
تمهید مربوط به زائل ساختن ترس مار و انقراض آن.....	۱۱۴
تضاد دولت و ایلات لر و تأثیر آن بر موسیقی و شعر.....	۱۱۶
جایگاه نوازندگان (خنیاگران) در میان قوم لر.....	۱۲۵
غم غربت (نوستالوژی).....	۱۳۲
وابستگی به دام.....	۱۳۷
جنگ‌ها.....	۱۴۷
جنگ بر سر آب، زمین و مرتع.....	۱۵۶
مرتع و چراگاه.....	۱۶۱
جنگ بر سر قدرت.....	۱۶۳
بیت آصیدال.....	۱۶۵
بیت نامدارخان.....	۱۶۷
بیت اعلیداد.....	۱۶۹
خرده فرهنگ تقاص، مانعی برای توسعه اجتماعی-فرهنگی جامعه.....	۱۷۱
"آنتروپومورفیسم" در شعر و موسیقی قوم لر.....	۱۷۲
شکار و شکارگری.....	۱۸۳
خرده فرهنگ شکار در تقابل با توسعه پایدار.....	۱۹۱
بررسی شاهنامه خوانی در میان مردم لر.....	۱۹۲
مقدمه.....	۱۹۲
پیشینه و چهارچوب نظری تحقیق.....	۱۹۳
نقش و کارکرد شاهنامه‌خوانی در جامعه‌پذیری.....	۱۹۶
نقش و کارکرد شاهنامه در حفظ و نگهداشت ارزش‌های دینی و اخلاقی.....	۱۹۷
نقش و کارکرد شاهنامه در حفظ ارزش‌های سلحشوری و دلیری.....	۱۹۸
احترام به بزرگان و رعایت سلسله مراتب ایلی.....	۲۰۰

۱۰ بررسی جامعه‌شناختی شعر و موسیقی زاگرس‌نشینان لر

۲۰۳	نقش و کارکرد شاهنامه‌خوانی در تهییج و برانگیختگی افراد و گروه‌ها در بزم و رزم
۲۰۵	رمزگشایی نمادها و مقایسه آداب و رسوم مردم لر با فرهنگ شاهنامه
۲۰۵	چپی یا وارونه سازی اشیاء در سوگ
۲۰۶	کُتل کردن
۲۰۶	شیوه سوگواری زنان
۲۰۷	شیوه سوگواری مردان
۲۰۷	پذیره شدن یا استقبال از میهمانان
۲۰۷	جغرافیای اسطوره‌ای شاهنامه در باورمردم لر
۲۱۱	چوپانان در عرصه تاریخ و فرهنگ
۲۱۲	چوپان پیامبر
۲۱۳	چوپان انقلابی
۲۱۴	چوپان خداشناس
۲۱۵	چوپان سیاستمدار
۲۱۷	چوپان وطن‌پرست
۲۱۸	چوپان نغمه‌پرداز
۲۲۰	نگاهی به شیرهای سنگی
۲۲۵	کوچ و پیمودن ایل راه
۲۴۰	تضاد سنت و مدرنیته و نوستالژی ایل در شعر و موسیقی قوم لر
۲۴۹	دستگاه شور؛ "نمای ملت و نغمه طبیعی مردم ایران"
۲۵۵	منابع
۲۶۱	جدول آوانویسی
۲۶۳	نمایه

پیش‌گفتار نویسنده

در اواخر دهه هفتاد شمسی بود که تصمیم گرفتم در رابطه با موسیقی بختیاری تحقیق کنم، موضوع محوری تحقیق نگارش نغمات در قالب خط موسیقایی (نت) و توصیفی چند در رابطه با آن‌ها بود که سرانجام در کتابی تحت عنوان «شناخت و بررسی موسیقی بختیاری» کار عملی شد و توسط انتشارات چنگ در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسید. اما چاپ کتاب پایان کار تحقیق نبود، بلکه آغازی بود برای بررسی زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی این نغمات، که به دیگر موسیقی‌های قوم لر نظیر: «لک»، لرهای لرستان، کهگیلویه و بویراحمد نیز تعمیم پیدا کرد. در این راستا سعی کردم هر کتاب، نوشته، کاست و سندی با ارزش که در مورد قوم لر منتشر شده است تهیه کنم و مورد استفاده قرار دهم. به مناطق مختلف لر نشین سفر کردم تا بتوانم موضوعات منعکس شده در شعر و موسیقی قوم لر را از نزدیک بهتر درک کنم، با افراد مطلع و نوازندگان زیادی به گفتگو پرداختم تا نکاتی را دریابم که کمتر در جایی خوانده و شنیده بودم، به گویش‌های مختلف لری تا حدی آشنایی پیدا کردم تا بهتر شعر و موسیقی این مردم را درک کنم و در صورت تعامل و پرس‌وجو، اعتماد بیشتری را ایجاد کرده باشم. آن چه در این جستجو برایم جالب به نظر آمد این بود، که اقوام لر با همه تفاوت‌هایی که از نظر گویش با یکدیگر دارند، حس مشترکی - یا بهتر بگویم جهان‌بینی مشترکی - نسبت به پدیده‌های طبیعی و اجتماعی پیرامون خود دارند. به همین خاطر وقتی که در تحقیق حاضر به موضوعاتی نظیر ازدواج، سوگ، حماسه، جنگ، پیری، کار، طبیعت و شکار پرداخته می‌شود، خواهیم دید که چگونه در شعر و موسیقی این قوم، مضامین یکسان و مشترکی در مورد این موضوعات بازتاب پیدا کرده است. اما عنوان جامعه‌شناسی برای این تحقیق زمانی شکل گرفت، که ذهنم درگیر بررسی و منشأ شکل‌گیری نغمات و اشعار بود تا این که در این جستجو، بکارگیری بعضی از نظریه‌های جامعه‌شناسی در تحلیل بسیاری از این نواها و نغمه‌ها برایم جالب به نظر آمد. خوشبختانه این موضوع باعث شد بتوانم براساس نظریات جامعه‌شناسان، چهارچوبی را تدوین نمایم که برای تحقیق در مورد شعر و موسیقی روستایی و عشایری قوم لر مناسب باشد و در صورت امکان در تحلیل موسیقی‌های روستایی و عشایری دیگر اقوام نیز مورد استفاده قرار گیرد.

کتاب از دو گفتار تشکیل شده است: در گفتار اول به تعریف و توصیف بعضی از اصطلاحات و عناوین تحقیق و نیز جستارهای نظری پرداخته می‌شود- خوانندگانی که آشنایی و علاقه‌ای به بحث‌های نظری ندارند می‌توانند از گفتار دوم شروع کنند که در آن موضوعات منعکس در شعر و موسیقی قوم لر مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است؛ در گفتار دوم نیز در ترتیب موضوعات الزام و معیار خاصی وجود نداشته و خوانندگان می‌توانند به فراخور علاقه‌شان موضوعات را پی‌گیری کنند؛ حتی اگر آخرین موضوع کتاب باشد. لازم به گفتن است برای این که تحقیق از بُعد کاربردی نیز برخوردار باشد در گفتار دوم سعی شده تا ارتباط بعضی از موضوعات با «توسعه محلی» مورد ملاحظه قرار بگیرد، که در روند توسعه کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. نکته‌ای که باید اضافه شود این است که کتاب عاری از عیب و اشکال نیست و شاید یکی از دلایل این بوده که نگارنده کتابی را با این سبک و سیاق سراغ نداشته تا به عنوان الگو از آن استفاده نماید و بتواند اثر کم‌نقص‌تری را ارائه نماید. به هر حال حق انتقاد برای مخاطبین محفوظ است و مطمئناً نظریات و پیشنهادات‌شان نگارنده را در چاپ‌های بعدی کتاب کمک می‌بخشد.

کتاب را به ولی‌اله شاهسواری تقدیم کرده‌ام، شاعر و نوازنده‌ای که ساز و سرودش رنگ و بویی دیگر داشت و وجودش سرشار از عشق و مهربانی بود، به همین خاطر چه در خانه محقر و باصفایش و چه در محل کارش (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی الیگودرز) همیشه با لبخند و گشاده‌رویی. پذیرای دوستان و علاقمندان به شعر و موسیقی بود؛ اما دریغ که مرگ زودهنگامش ضربه جبران‌ناپذیری شد به جان و جهان خانواده، یاران و دوستارانش.

در پایان لازم است تشکر و قدردانی نمایم از همه کسانی که به گونه‌های مختلف یاری‌ام کرده‌اند: روستاییان و عشایری که در مزارع، خانه‌ها و زیرسیاه‌چادرهایشان با آغوش باز از من و دوستانم پذیرایی می‌کردند؛ از خنیاگران محلی که نکات ارزنده‌ای را همواره از آنان آموخته و همچنان می‌آموزم؛ مادرم که دنیایی از شعر و نغمه، حکایت و ضرب‌المثل^۱ را در سینه دارد و از کودکی همراه مهر مادرانه‌اش آن‌ها را جرعه جرعه به کامم ارزانی داشته؛ مرحوم پدرم که از

۱. به عنوان مثال یک بار ضرب‌المثلی از مادرم شنیدم که امروزه کمتر بازگو می‌شود: "تو حرفت و شن، صاحبو حرف خوش و درارش". یعنی تو حرفت را بندها (بزن)، صاحب حرف آن را برمی‌دارد (گوش می‌کند). در این ضرب‌المثل صحبت از انداختن و برداشتن سخن است که امروزه به فراموشی سپرده شده، اما کاربرد آن را می‌توان در متونی چون شاهنامه یافت. آن‌جا که اندرزهای زال، مانع رفتن کلکوس شاه به مازندران نمی‌شود: از اندیشه من دل بپرداختم- سخن هر چه دانستم انداختم (ج: ۱، ص ۲۵۰). دریغ زمانی که این اثر برای چاپ به ناشر سپرده شد مادرم همراه برادر عزیز و هنرمندم جواد (بامداد) لک در یک سانحه تصادف گام به ساحت مرگ نهادند: "آهوان گم شدند در شب دشت- آه از آن رفتگان بی‌برگشت".

شاهنامه‌خوانی‌اش بسیار آموختم، همسر مهربانم فرزانه توکلی، که زندگی با او برایم بالاترین موهبت بوده و هست؛ استادان بزرگوارم در گروه توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به ویژه دکتر موسی عنبری، دکتر مهدی طالب و دکتر حسین میرزایی که از راهنمایی‌هایشان در این کتاب بهره برده‌ام. همچنین از دوستان عزیزم از جمله سعید رضایی که پیوسته مشوق من در تحقیق و نوشتن است؛ هنرمند شایسته حسین موسوی که جلد کتاب را با طرح خود مزین ساخته است؛ خانم مژگان توکلی که مشتاقانه زحمت تایپ اولیه تحقیق را به عهده گرفتند. علاوه بر این، از مدیریت انتشارات جامعه‌شناسان و همکاران ارجمندشان سپاسگزاری کنم که در چاپ این اثر، نهایت کوشش را به عمل آوردند.

"همچو موری اندرین خرمن خوشم تا فزون از خویش باری می‌کشم"

عظیم لک

گفتار اول

سرزمین لر

سرزمینی که امروزه استان‌ها و مناطق لرنشین کشور را در بر گرفته است، از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌های بشر شناخته شده می‌شود. حفاری‌هایی که تاکنون در بعضی از این مناطق به ویژه در لرستان صورت گرفته، آثار و نشانه‌هایی از انسان‌های پیش از تاریخ را گواهی می‌دهد، که قدمت بعضی از آن‌ها به چهل هزار سال پیش می‌رسد (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۲۵)؛ «کشف کانون‌های آتش در غار «یافته» اطراف خرم‌آباد و نیز کشف نقوشی بر روی دیواره پناهگاه‌های دره میرملاس، برد سفید و غار هومیان و چالگه شله در غرب لرستان، همگی حکایت از دوره پارینه سنگی می‌کنند» (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۵). آثار بدست آمده از دوره‌های میان سنگی و نوسنگی تا عصر فلز به ویژه عصر مفرغ- که ابزار و آلات مکشوفش در استان لرستان از نظر اشکال متنوع و پیشرفته‌اش کم‌نظیر است- و شکل‌گیری شهرنشینی و پیدایش تمدن ایلام، همگی حکایت از آن دارند که این سرزمین کلیه دوره‌های تکامل فرهنگی جوامع بشری را از سر گذرانده است و از این جهت نسبت به مناطق دیگر کشور، موقعیتی منحصر به فرد دارد. تمدن باستان که آن را با نام ایلام (عیلام) می‌شناسیم و بیش از چهارهزار سال قدمت دارد، قلمرو آن، استان‌هایی را شامل می‌شد که امروزه لرستان، ایلام، خوزستان، بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد نامیده می‌شود؛ یعنی استان‌ها و مناطقی که به استثناء مناطقی از استان خوزستان، قلمرو و سرزمین قوم لر شناخته می‌شود (شکل ۱). هم زمان با تمدن ایلام، تمدن دیگری به نام "کاسی" در قسمت‌های مرکزی، شمالی و غربی ایران نیز شکل گرفته بود، که مرزهای جنوبی آن شامل بخش‌هایی از سرزمین لرستان را شامل می‌شد. با ورود آریایی‌ها در هزاره قبل از میلاد به فلات ایران و برتری آنان بر اقوام بومی، و با تأسیس و بنیانگذاری تمدن مادها، سرزمین لرستان از بخش‌های اصلی این امپراتوری می‌شود تا این که هخامنشیان از جنوب این سرزمین یعنی محلی که "پارسوماش" خوانده می‌شد، توانستند تمدن ماد را براندازند و نخستین و بزرگ‌ترین امپراتوری ایران را شکل دهند. بنابراین، خاستگاه اصلی هخامنشیان

مکانی بوده است که امروزه قوم لر در آن به سر می‌برد.^۱ در دوران ساسانیان و اشکانیان سرزمین لر به خاطر موقعیت کوهستانی و نزدیکی به دشمنان غربی ایران، از اهمیت دفاعی و نظامی برخوردار می‌شود و به همین دلیل برج و باروها و پل‌های مستحکم و فراوانی در آن سرزمین احداث می‌شود که هنوز آثار آن باقی است. در دوران اشکانیان و ساسانیان سرزمین لر را "پهله" می‌نامند، که پس از هجوم تازیان نیز به همین نام در آثار و کتاب‌های تاریخی اسلامی تکرار شده است. اما پس از آنان سرزمین به خاطر کوهستانی بودنش جبل یا "جبال" نامیده می‌شود (همان: ۶۳). با حمله اعراب، بخش‌های وسیعی از سرزمین لر توسط خلفا اداره می‌شود و خراج آن‌ها به حکام کوفه تسلیم می‌گردد. بعد از دوره خراجگزاری به مسلمین، سرزمین لر بخشی از قلمرو آل‌بویه از سلسله‌های ایرانی به حساب می‌آید و مالیات آن نیز به سلاطین آل‌بویه تسلیم می‌شود. سرانجام سرزمین لر توسط حاکمی که نامی از آن در تاریخ نیامده است به دو قسمت میان پسرهای خود یعنی بدر و منصور تقسیم می‌شود. در این تقسیم‌بندی قسمت شرقی که بزرگ‌تر و شامل مناطق بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد بوده است، سهم برادر بزرگ‌تر یعنی بدر شده و به همین علت این نواحی را "لر بزرگ" می‌نامند و قسمت غربی نیز که کوچک‌تر و پیشکوه و پشتکوه لرستان را شامل می‌شد، سهم برادر کوچک‌تر منصور می‌شود و به "لر کوچک" مشهور می‌گردد (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۱۰۶).

با استیلای سلجوقیان در قرن ششم ه‍.ق، عنوانی دیگر در حکمروایی سرزمین لر پیدا شد که در تاریخ با عنوان "اتابک لر بزرگ" و "اتابکان لر کوچک" معروف است. آن‌چنان که در تاریخ آمده در زمان حکومت اغلب اتابکان لر، سرزمین لر از امن و آبادترین سرزمین‌های آن زمان به شمار می‌رفته است. به ویژه در زمان اتابک هزار اسب که سرزمین لر بزرگ رشک بهشت می‌گردد و به همین علت طوایف متعددی از سایر نقاط به ویژه از سرزمین شام به پیشوایی ابوالحسن فضلوی به این خطه مهاجرت می‌کنند (مستوفی، ۱۳۸۱: ۵۴۱). حکمرانی اتابکان لر کوچک قریب به چهارصد سال به درازا کشید، سرانجام در عهد صفویه با قتل شاهروردیخان، آخرین اتابک لر کوچک به دست شاه‌عباس، عنوان اتابک منسوخ گردید و به حکمرانان این سرزمین لقب «والی» داده شد که این عنوان تا اواخر عهد قاجار در میان لر‌ها رواج داشت. سلسله اتابکان لر بزرگ نیز بعد از نزدیک به

۱. رواندی به نقل از گیرشمن محل اصلی پارسوماش را در شرق شوشتر یعنی جایی که سرزمین بختیاری محسوب می‌شود، قلمداد کرده است (رواندى، ج اول، ۱۳۵۶: ۳۸۱).

سیصد سال با عزل اتابک غیاث‌الدین به دست سلطان ابراهیم فرزند شاهرخ تیموری در سال ۸۲۱ هجری پایان می‌یابد (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۹۲). از زمان صفوی حکومت مناطق لرنشین به سران طوایف بختیاری سپرده شد که بعدها عنوان خوانین را گرفتند و شدیداً تحت نفوذ شاهان صفویه قرار داشتند. لازم به ذکر است که در زمان صفویه چند تغییر در نامگذاری و تفکیک قلمروهای ایلی لر بزرگ و کوچک انجام می‌گیرد؛ لر کوچک از این زمان به بعد به لرستان معروف می‌گردد. بختیاری که تا آن زمان تنها به یکی از طوایف قدرتمند لر بزرگ اطلاق می‌شد، از این دوره به بعد به بخش‌های بزرگی از سرزمین لر بزرگ اطلاق گردید. اندکی بعد در همین دوره با طغیان ایلات کهگیلویه و بویراحمد بر علیه بختیاری‌ها، این ایلات نیز از تسلط بختیاری‌ها خارج شدند و همین عنوان امروزی را پیدا کردند. در همین زمان ناحیه شولستان که قسمتی دیگر از سرزمین لر بزرگ و مسکن گروهی دیگر از لر‌ها به نام "شول" است، به تصرف قبایلی درمی‌آید که بعدها «مسنی» نامیده می‌شوند.



شکل ۱: موقعیت استان‌ها و مناطق لرنشین بر روی نقشه ایران با هاشور نشان داده شده است.